

اهم وسائط و اقدم شرائط است برای تأمین نجاج. می‌خواهم بمثالی مادی و بسیط این معنی را شرح و ایضاح بکنم تا اهمیت این دعوی و روح مسئله ذاتاً و بدهتاً رونمون باشد:

شرقیان هنوز نتوانسته‌اند که بهمت خودشان کارخانه‌ها و فابریکها تأسیس بکنند. زیرا این، کاری عظیم و خیلی دشوار است. این همه مؤسسات ثمره تطبیقات علوم جدید است. از این سبب اهل شرق هیچ ادراک نکرده‌اند و هنوز کما یبغی نمی‌دانند که زغال معدنی و بنزین و نفت در نظر مدنیت حاضر چه قدر و قیمت دارد و علوم طبقات الارض و معدنیات و کیمیا چه حیثیت و اهمیت دارد! حالا هیچ تصور و خیال نمی‌کنند که مدنیت غرب مبنی بر صنایع عظیمه (۵) شده باشد. مع هذا حقیقت این است، چندان که اگر این گونه قوای محرکه موجود و در دست نبودی مدنیت حاضر ممکن نمی‌شدی. اگر فرض بکنیم که اهل شرق این حقیقت را می‌دانند، بسبب جهل و ناچاری نمی‌توانند از آن ثروت طبیعی و محصولات معدنیه حقا استفاده بکنند. ممالک ترک و ایران بر این دعوی برهان است. (اتمام)

قیمت دینی

نسخه خطی کتاب ابن فقیه

در مشهد

بقیه از شماره پیش

بایکه در باره خراسان در ابن الفقیه مذکور است در

چاپ «دخویه» اختصار شده است. در باب اینکه سمرقند از شمرکند محرف می‌باشد بتفصیل روایتی ذکر شده: «این شهر را پادشاه حمیر شمر بن افریقش بن ابرهه در حین قشون کشی به چین و ترکستان، در دور کشتاسف بن بخت نصر بنا کرده است. در عهد بهمن ابن اسفندیار در زیر سرداری «نوع الاقرن» حمیریان دوباره شهر سمرقند را که در زمان لشکر کشیهای چین و ترکستان خراب شده بود آباد کرده‌اند و در خود چین شهر «وشن» را بنا نهاده‌اند».

درین افسانه دیده می‌شود که بتیها که در اینجا از احفاد حمیریها شمرده شده عادات و البسه عرب (حالا بقول محمود کاشغری در دیوان لغات‌الترک) را تا آن روز محفوظ نگاه داشته بودند.

ورق ۱۶۶ ب

کلمه فرغانه. قصه در اینکه فرغانه از کلمه «ازهرخانه» مشتق است. در فرغانه از «جودتکین» تا «عقبه» یک روز راه است. از آنجا تا «اکناس» و یا «اطاس» (آطباش) یک‌رود اطاس شهر بزرگی است در روی عقبه. از اینجا تا «نوشجان اعلی» شش روز راه است. از آنجا تا شهر خاقان تغزغز سه ماه راه است. تا شهر خاقان از قشلاقها مرور می‌شود. اهالی آنجا همه ترکهای مجوس هستند که آتش را می‌پرستند و زندیقها هم هستند. شهر خاقان بزرگ است، دوازده دروازه دارد. در طرف چپ آن‌شهر «کیمساک» و اما در پشت آن در مسافت سیصد فرسخ، چین است. خاقان تغزغز یک چادر دارد که سیصد نفر داخل آن میتواند جا بگیرد و از پنج فرسخ دیده می‌شود. اما پادشاه «کیماک» از طراز ۸۱ روز راه است. از روی صحراها و کوهها و نهرها

بدانجا رفته می شود.

ورق ۱۶۷ بودژه خراسان:

ماوراءالنهر و بخارا ۱۱۸۹۲۰۰ درهم غطریقی بخراسان
میدهد. سفد (السفد و سایر کورنوج بن اسد) ۳۲۴۶۴۰۰ درهم
(منها علی فرغانه ۲۸۰۰۰ درهم محمدی و علی مدائن الترك
۴۶۴۰۰ درهم خوارزمی و من الكرايس الغلاظ الكمذجيه ۱۰۸۷
توب و غیر ذلك).

خوارزم ۴۸۹۰۰۰ درهم میدهد. همه خراج خراسان
۴۴۰۸۴۶۰۰۰ درهم می شود. قسمتی از معلومات که در فصل
«القول فی الترك» می باشد در معجم البلدان یا قوت موجود است.
ورق ۱۶۸ آ اخلاقی ترکها:

بعضی از احادیث پیغمبری ذکر شده راجع باینکه ترکها
در کوفه، بصره و بغداد حکومت میکنند. اسامی اقوام ترک بدین
طریق نوشته شده است:

«تفرغز، تبت، خرلیخ، کیماک، غز (اوغوز)، جفر (بجفرد،
بشگرد)، خرخیز (قرغیز). عموم شهرهای ترک با اسم مدائن الترك
۲۶ شهر است (در یا قوت ۱۶ نوشته).»

ورق ۱۶۸:

قصه ایلچی فرستادن هشام بن عبدالملک بخاقان ترک عین
همان است که یا قوت نوشته جز اینکه یا قوت لشگری را که به
حضور خاقان اجتماع کرده بود صد هزار نوشته و در اینجا ده
هزار نوشته است.

«قریه و شهرهایی که در سر راه نوشجان اعلی تا خاقانی
تفرغز واقع هستند همه ترک می باشند. همه این ترکها مجوس

بوده آتش را می‌پرستند. در میان آن ترکها بعضی زندیقها هم هستند که در مذهب مانی میباشند.»

ورق ۱۶۹ ترتیب و سوگند خوردن در میان ترکها:

در زیر بی که از مس ساخته‌اند يك کاسه آب میگذارند. نوی کاسه يك مشت گندم و زر میاندازند. زیر کاسه يك شلوار زنانه میگذارند. شخص سوگند خورنده میگوید: «اگر عهد خود را بشکم، شلوار زنانه بپوشم و مرا مانند گندم خورد کنند و رویم مانند زر زرد گردد». آنوقت آن آب کاسه را میخورد.

فرزند نرینه هر وقت بحد بلوغ رسید يك اسب و يك نیر برایش میدادند که خود رزق خود را کسب کند و مبارزه زندگی را یاد بگیرد. در زناشوئی عادت ایشان این بود که مرد، در بالای سر دختر يك «یاولق» (اورامال — رومال — برقع) می گذاشت. اگر دختر قبول میکرد علامت رضا بود.

رساله ابن فضلان را که ضمیمه کتاب ابن الفقیه است توانستم کاملاً استساخ کنم. ولی همین قدر معلوم شد که آنچه بارون روزین در مقاله تحقیقی خود نوشته که «اگر يك عالم عرب پیدا شود که کتاب ابن فضلان را کاملاً خوانده باشد آن یاقوت است». درست است چونکه اگر بعضی قسمتها هم پیدا شود که یاقوت آنها را ذکر نکرده باشد، چیزهایی است که علمای دیگر عرب هم از آنها استفاده نکرده‌اند.

و بارون روزین که ابن فضلان را از هجومهای ناقص یاقوت، بحق حمایت کرده است ذیحق بوده است.

حتی ابن فضلان که يك خادم عادی سیاحان قرن دهم بوده، مسائلی که نظر دقت او را جلب کرده برای یاقوت که عالم بزرگ قرن سیزدهم بوده آنقدر جالب دقت نگشته است. یاقوت بیش از

معلومات واقعی ابن فضلان، به حکایات عجیب و غریب او اهمیت داده است و بعضی محلّهای مهم را از کتاب او که امروزه برای ما اهمیت زیاد دارد، اقتباس نکرده و مسکوت گذاشته است. از این کتاب ابن الفقیه معلوم می‌شود که ابودلف معاصر ابن الفقیه شخصی تاریخی بوده و رساله خود را به التماس ابن الفقیه بنام او نوشته و او هم در کتاب خود آنرا نقل کرده است و هم چنین مؤلف کتاب فهرست ابن الندیم نیز معاصر او بوده و صاحب الندیم معلوماتی را که او از سیاحتش آورده بوده نقل میکند. و اینکه یاقوت (جلد ۳) می‌نویسد: «و قرأت فی کتاب عتیق ما صورته: کتب الینا ابودلف». یقیناً نسخه کامل ابن الفقیه است. و شایان تعجب است که چرا فی کتاب ابن الفقیه نمی‌گویند. مگر اینکه در کتاب دیگری هم درج شده باشد.

(نا تمام)

بهترین کتابها

رأیها و اعتقاداتها

Les opinions et les croyances

p. Dr. Gustave Le Bon

بقیه از شماره قبل

[در تمام این کتاب غرض از اعتقاد، عقاید مذهبی و گاهی هم عقاید فلسفه روحی و ماورای طبیعی است و غرض از معرفت هم حقایق ثابت علمی است و بصارت دیگر در این کتاب از مسئله تنازع علم و دین و یا حس و عقل بحث می‌شود و یک صفحه نظر را از تکامل فکری و روحی بشر پیش خواننده گذاشته می‌گردد]

۲— اعتقاد و معرفت (دین و علم) از چه حیث با هم فرق دارند.
باید قبلاً بکوشیم تا معین کنیم که اعتقاد از چه چیز تشکیل
می‌یابد و از چه حیث با معرفت تفاوت پیدا مینماید.